

Vol. IV
of X

By Alan Moore
and David Lloyd



Suggested
For Mature
Readers

DEC 88
\$2.00 US
\$2.95 CAN

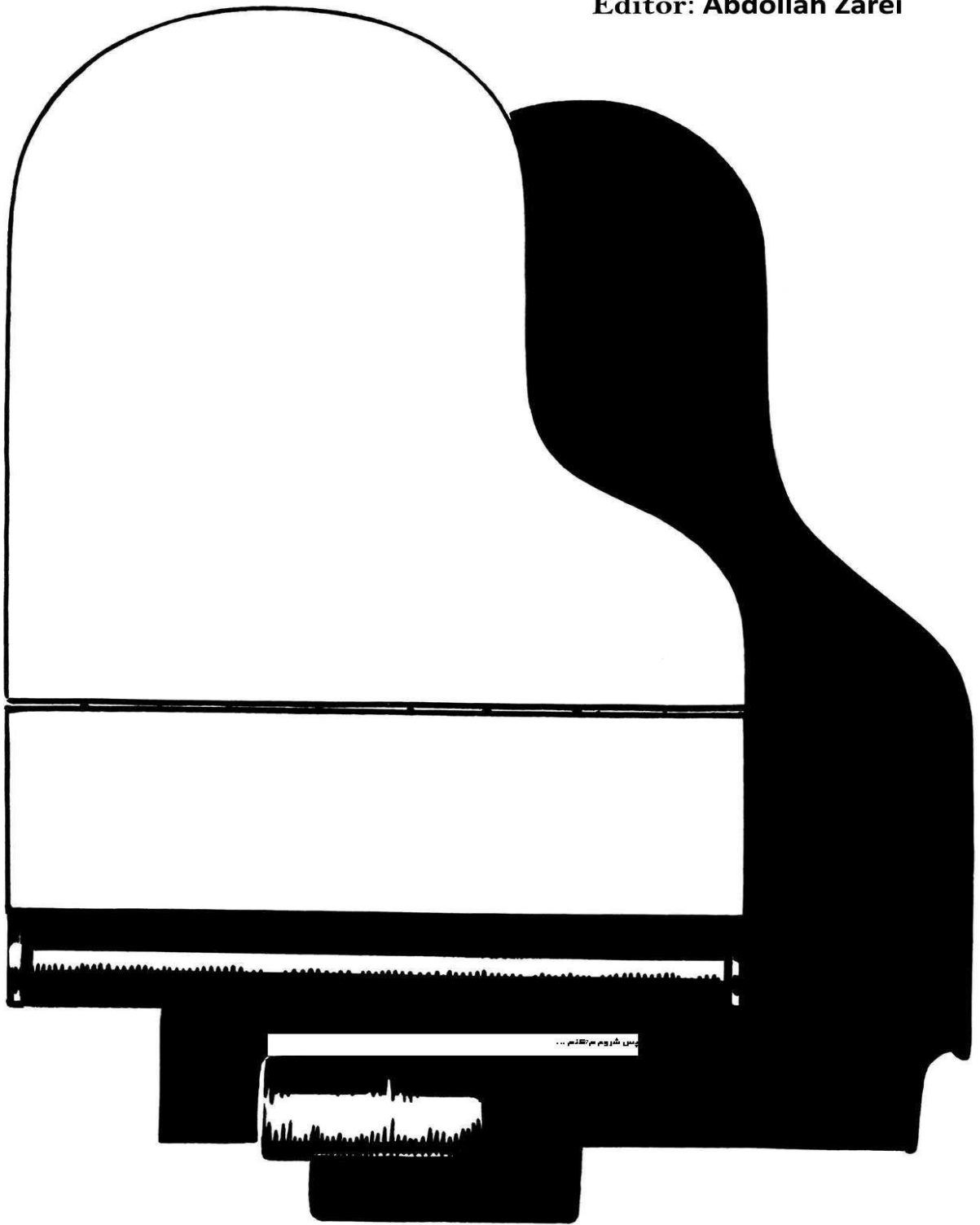
V FOR VENDETTA

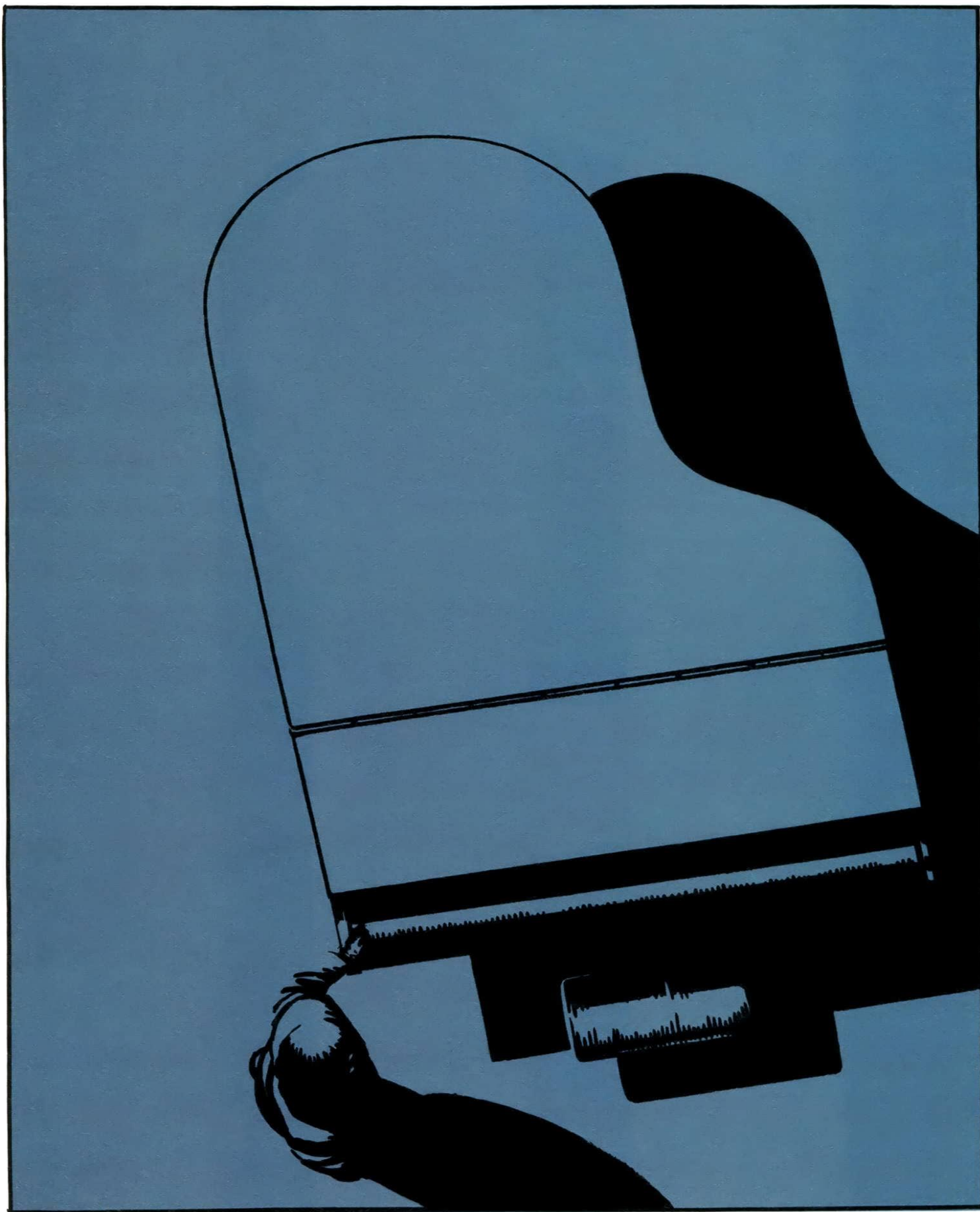


V FOR VENDETTA™

Translator: Farbod Azsan

Editor: Abdollah Zarei











می گن قلب مهر کی
بشکنه، یکی از
چراغای برادوی
می سوزه ...



بسامتتو به هم
می ریزن و می گن
بی خیال، دنیا دو
روزه ...

یه نقاب و لباس
بهت می دن و
تعریف می کنن شرح
روایتی ...



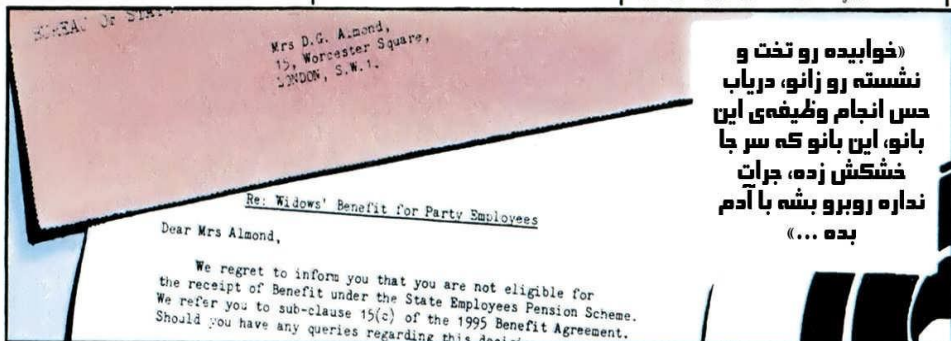
بعد ولت می کنن تا
فی البداهه بسازی
براشون یه کاروی
پاپتی.



«تو این دیار مریض و
رنگ پریده، همش حرف
فرم و حکم و کاغذ
خریده، دست دولت تو
جیب ملته، چکمه های
ساق بلند، جای پای دلته
...»



«چون و مال و کرامت
انسان، به باد فنا می ره در
یک آن، عوضش رام آهن
خوش قول شده و وقت
کارمنداش آزاد، ولی قطارا
مقصودی ندارن جز به نا کجا
آباد.»



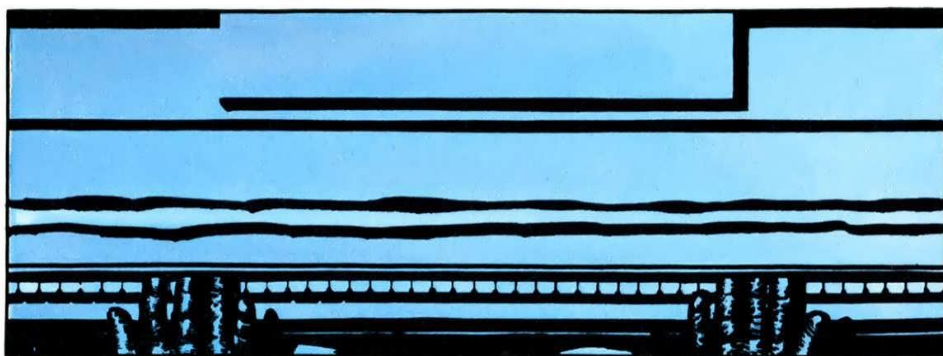
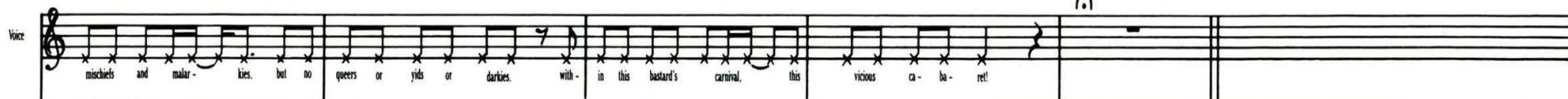
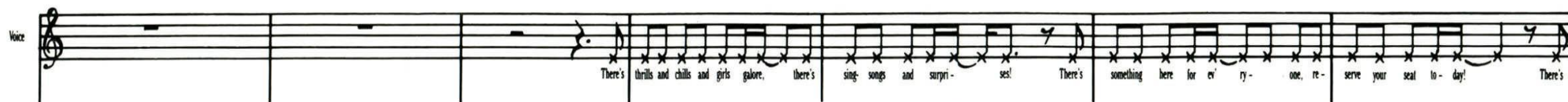
«خوابیده رو تخت و
نشسته رو زانو، دریاب
حس انجام وظیفه ای این
بانو، این بانو که سر جا
خشکش زده، جرات
نداره روبرو بشه با آدم
بده ...»





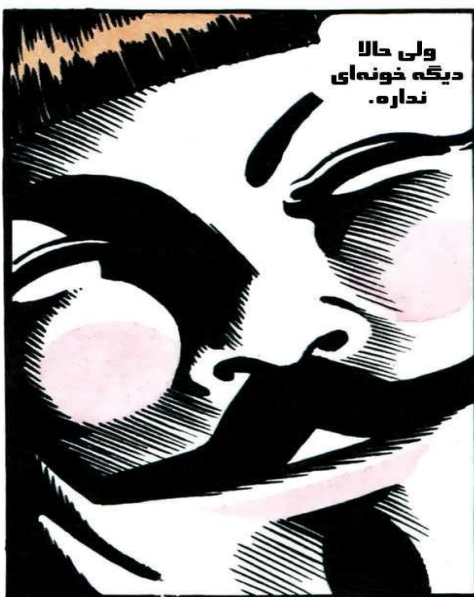








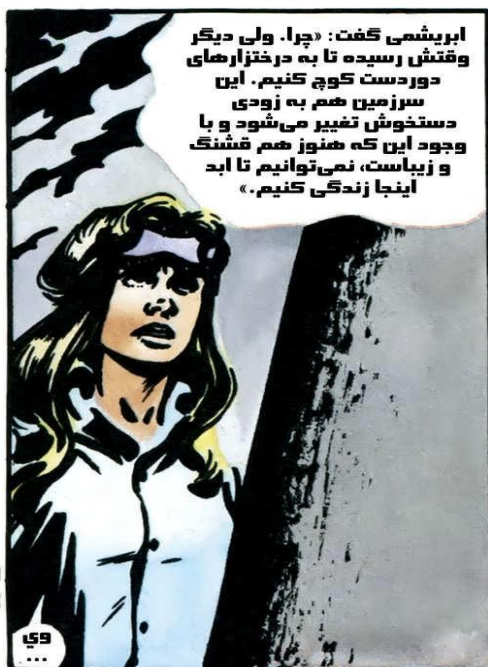




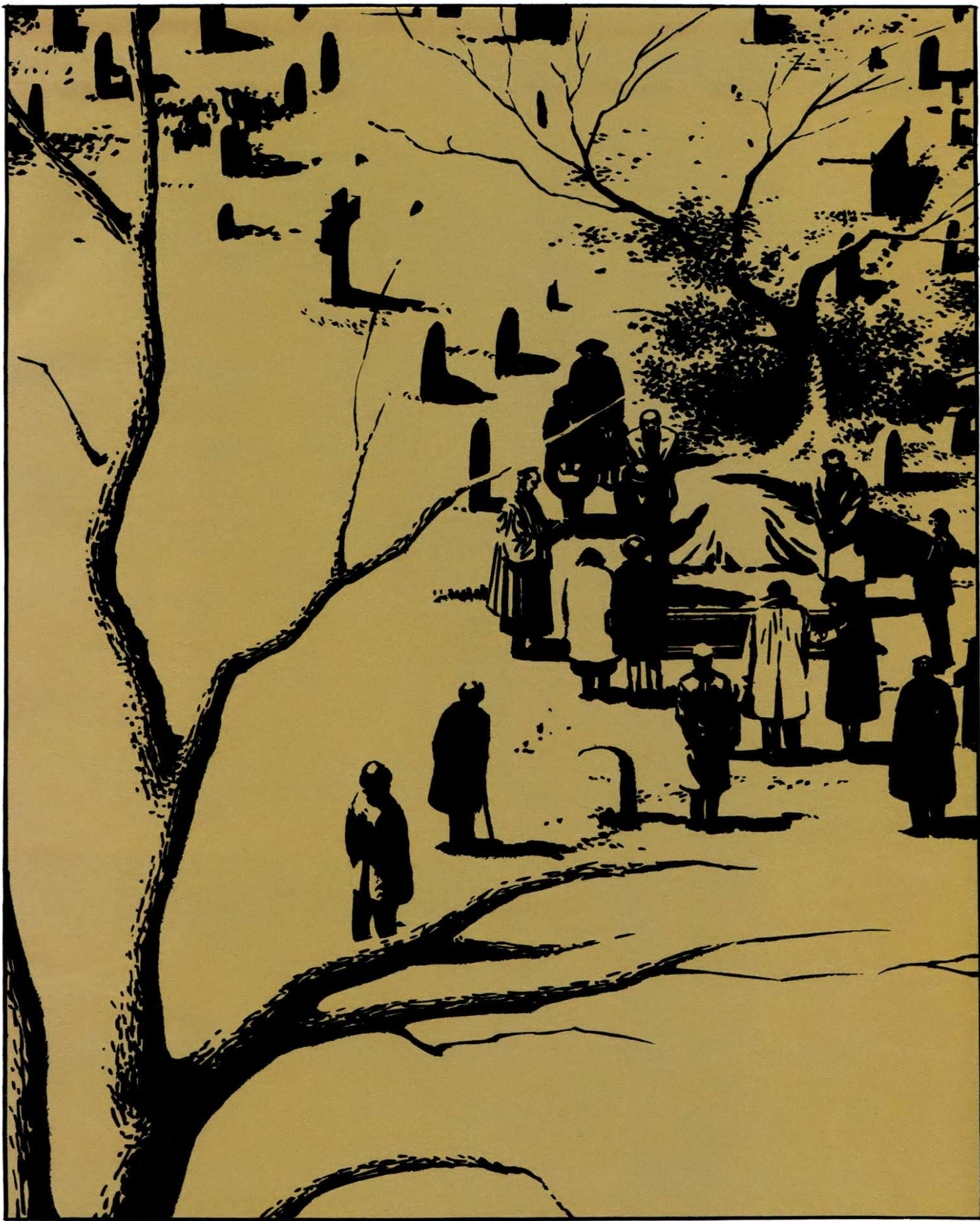










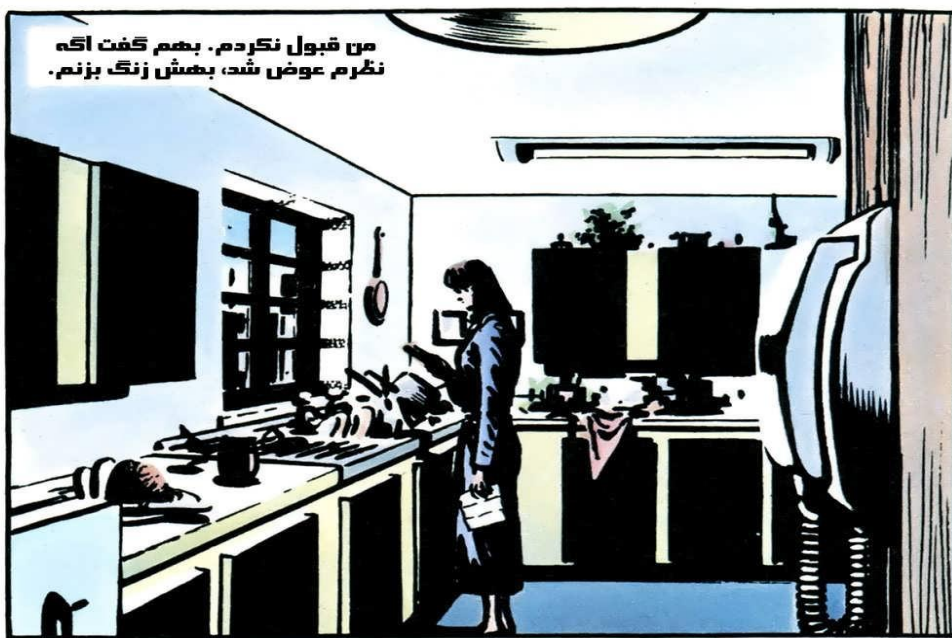
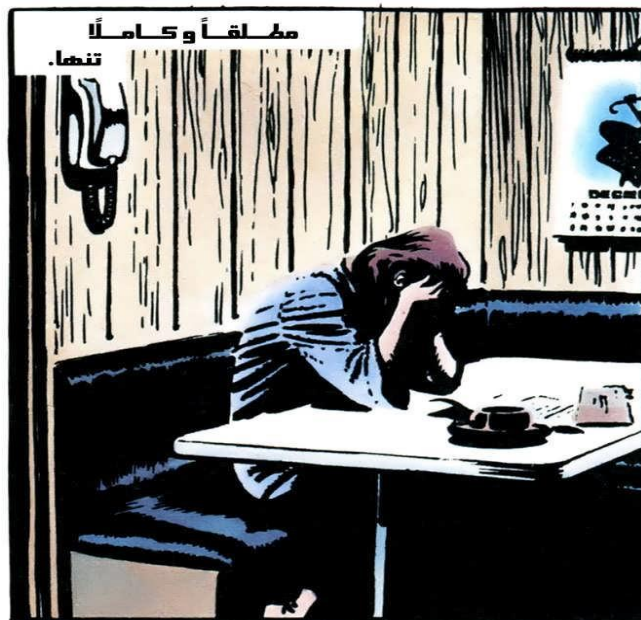




فصل دوم پرده







دولت هیچ پولی بهم
نمی‌ده. منم نمی‌تونم
کار پیدا کنم.
می‌دونم، تجربه
ندارم. باید به خونه
برسم ...



اجاره‌خونه. قبض برق.
قبض تلفن

من بهت فکر کردم درک. به هم آغوشی‌ها
و بی‌توجهی‌ها و دعوا مرافعه‌ها و
بدمستی‌ها. من واقعا عاشقت بودم



تو خیلی زندگی من بودی. من تو خونه گیر افتاده بودم
و تو منو به دنیا وصل می‌کردی. من هنوزم به تو
وصلم، با وجود این که تو غرق شدی، ولی من هنوز
شناورم.

به سری تصاویر همیشگی
دارن تکرار می‌شن.



و من ردیف عقب نشستم و
دارم تماشا شون می‌کنم ...

...توی سینمای شلخته و خراب خاخرات.



بر می‌گردم به کنج گذشته؛ حتی
وقتی تاریک و نموره ...

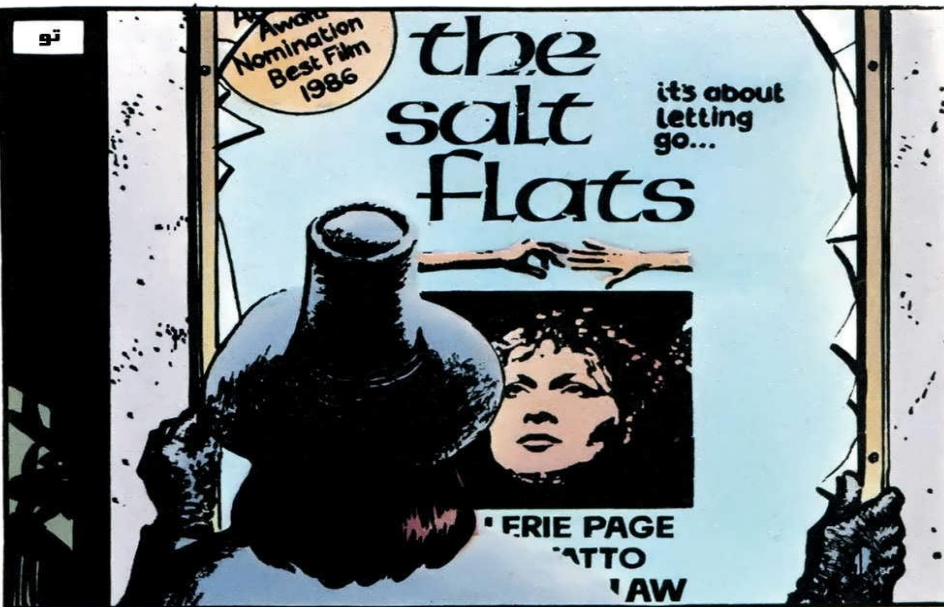


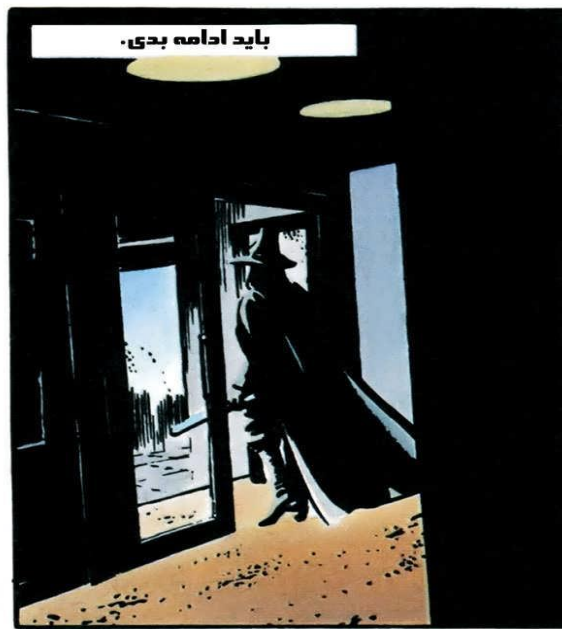
چون اون موقع تو اونجا
بودی

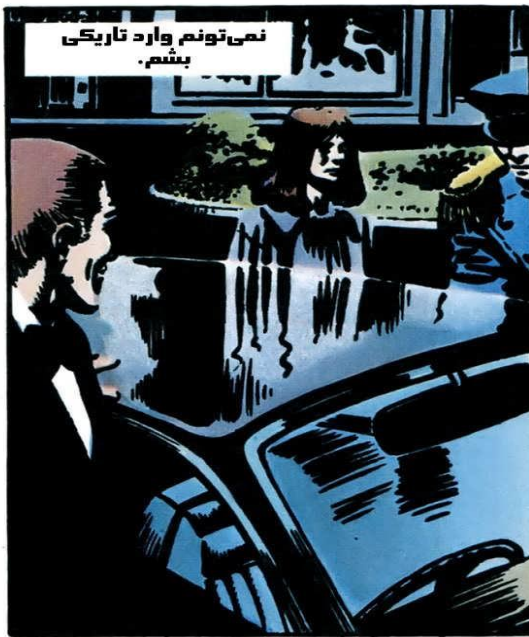
دارم سعی می‌کنم به به چیزی تکیه
بدم؛ به چیزی که می‌دونم دیگه وجود
نداره. با وجود این که می‌دونم تو
دیگه پیشم نیستی.

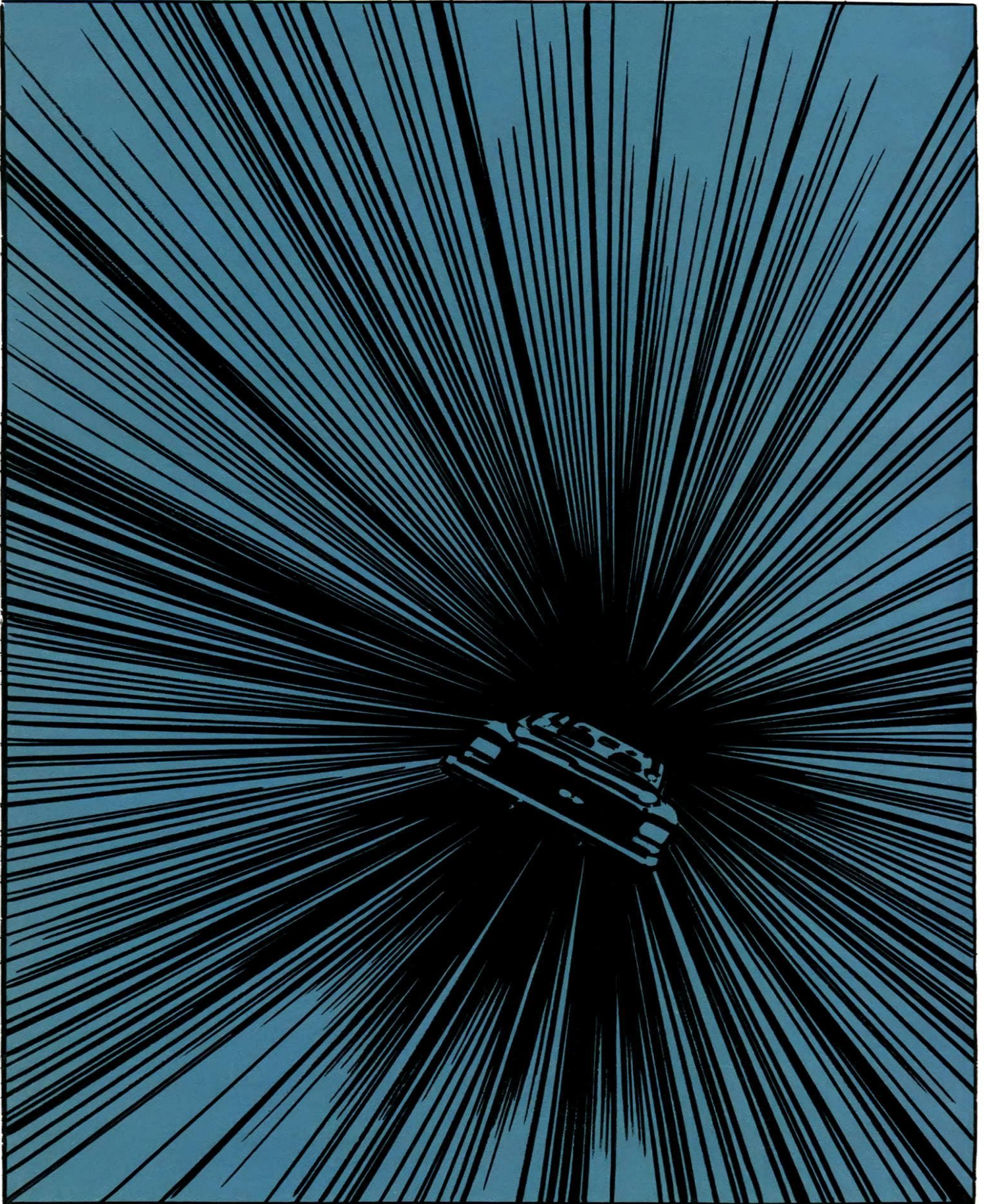


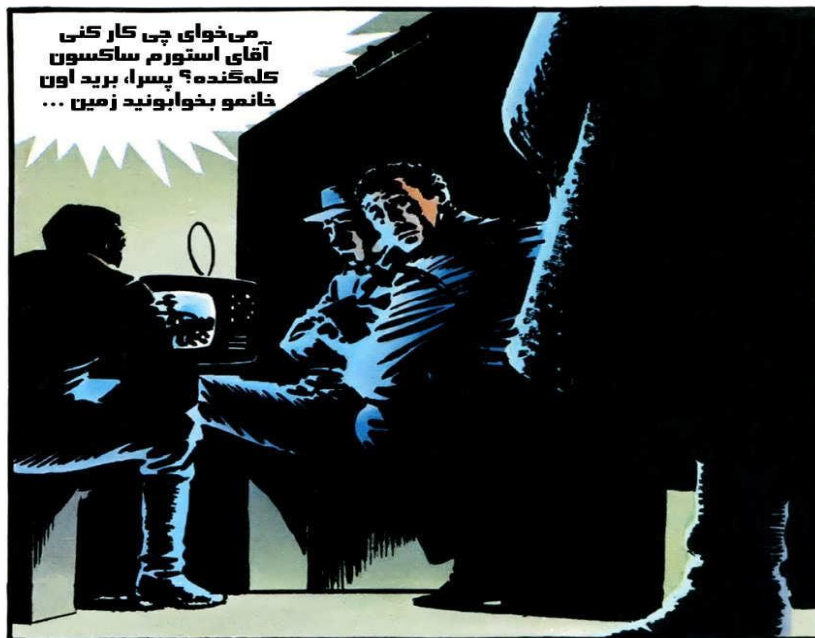
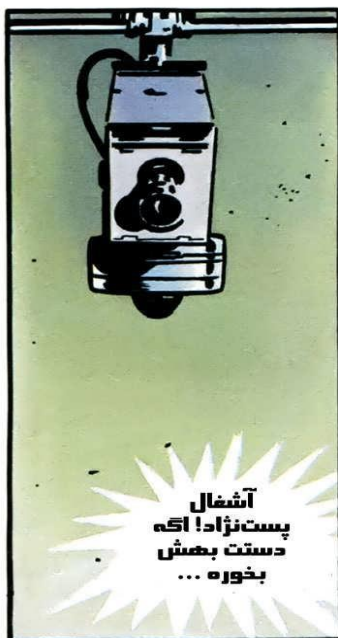
تو



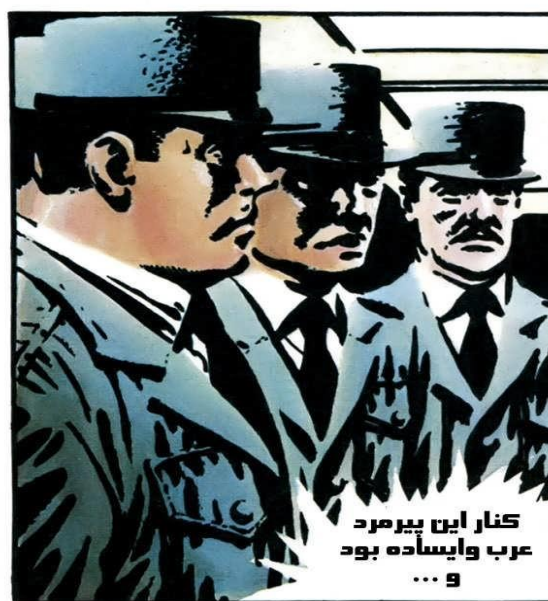
















هاهاها
هاهاها
هاهاها

آتش



... و حالا در کانال دو
نوبت تغییر دانقه
است ...



بار دیگر به داک گرین
می‌رویم تا اپیزود
دیگری را داشته باشیم
از یک سریال پلیسی
کلاسیک با بازی جک
وارنر.

شب بخیر.



جنایت. حتی اینجا،
توی داک گرین هم
واژه‌ی زشتی به نظر
می‌رسه ...

... مخصوصاً وقتی افراد
بی‌گناهی مثل من و شما
درگیرش بشیم.



امشب می‌خوام براتون
داستان هری بیشپ رو
تعریف کنم؛ کسی که
پی برد جنایت چقدر
می‌تونه کثیف باشه ...

... ولی نه به
آسونی!



همش از اون حرفی شروع شد
که دامادم سر میز شام بهم
گفت ...

عذر می‌خوام
آقای گلور؟

برش
دار!



ساک خریدتو از رو میز
من بردار!

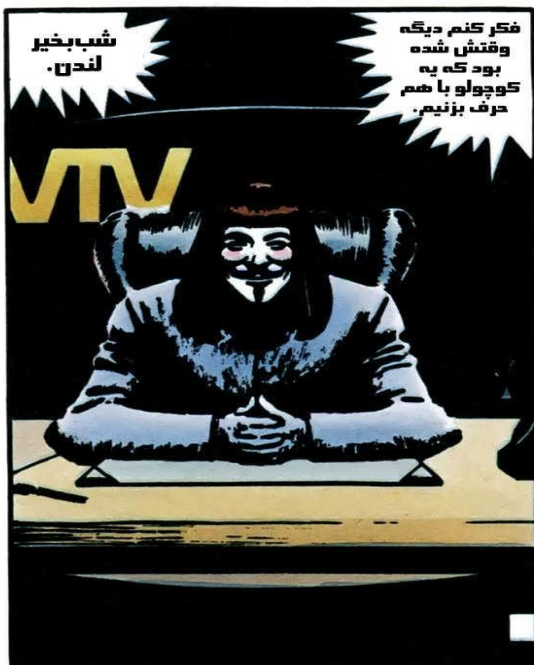
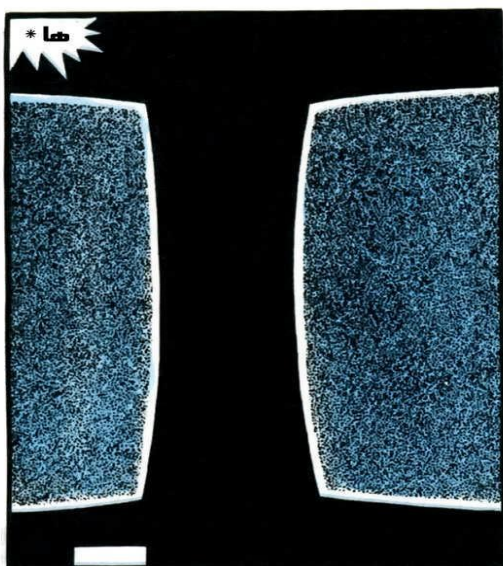
جورج، من
نگران
لاودر دیلم
...

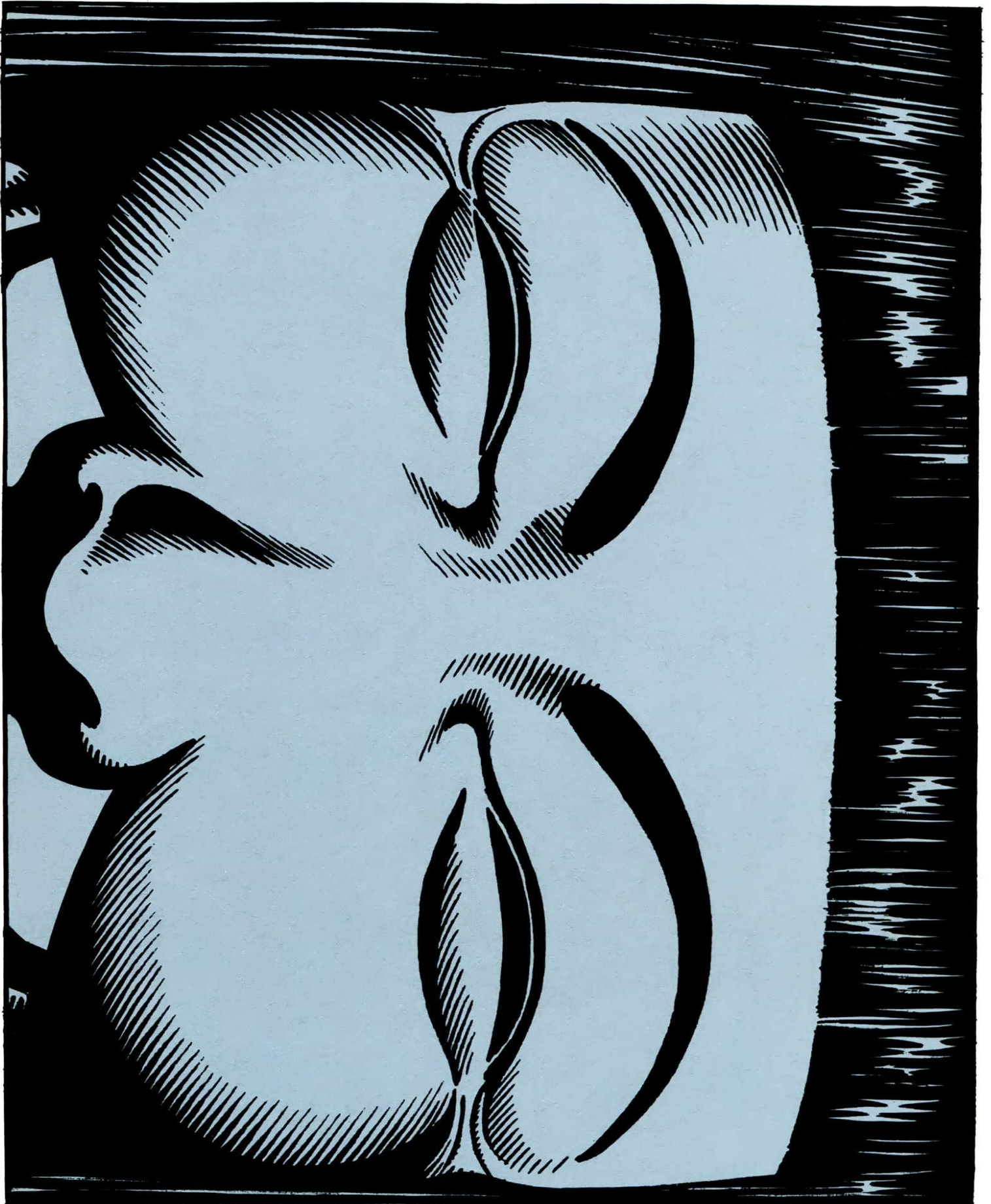
لوردی پیر؟ چرا؟ مگه
چی شده اندی؟



نمی‌دونم جورج ... اون،
خب، ... عوض شده.

اوه، خدای من.
آقای گلور! مالبیام
دارن میفتن!









PRESIDENT
AND PUBLISHER
JENETTE KAHN

MGR.-TALENT
RELATIONS
PAT BASTIENNE

V.P.-EXECUTIVE EDITOR
DICK GIORDANO

PRODUCTION DIRECTOR
BOB ROZAKIS

EDITOR
KAREN BERGER

EXECUTIVE V.P.
PAUL LEVITZ

ASST. EDITOR
ART YOUNG

V.P.-CREATIVE DIRECTOR
JOE ORLANDO

ART DIRECTOR
RICHARD BRUNING

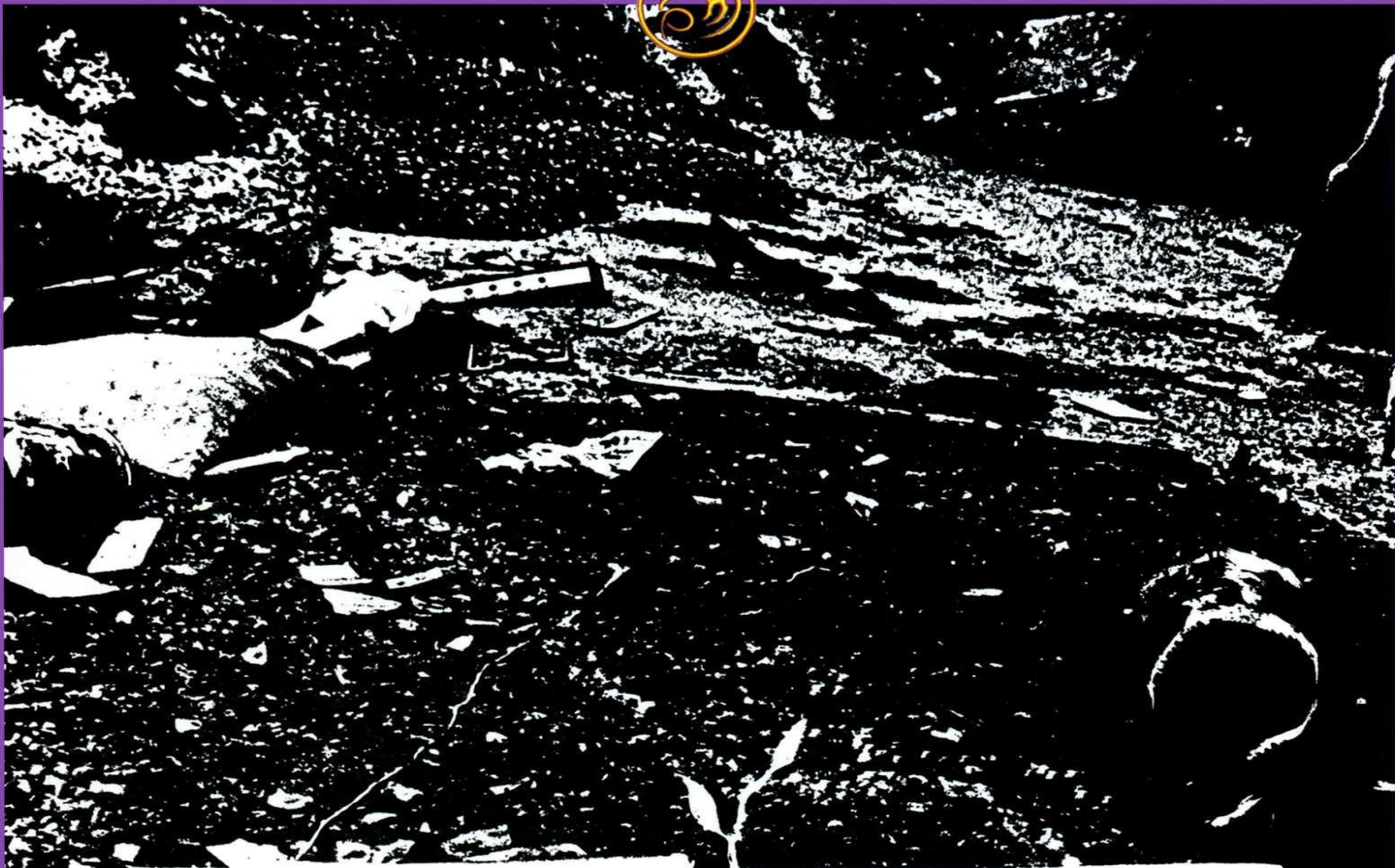
V.P.-SALES
& MARKETING
BRUCE BRISTOW

MGR.-EDITORIAL ADMIN.
TERRI CUNNINGHAM

CIRCULATION
DIRECTOR
MATT RAGONE

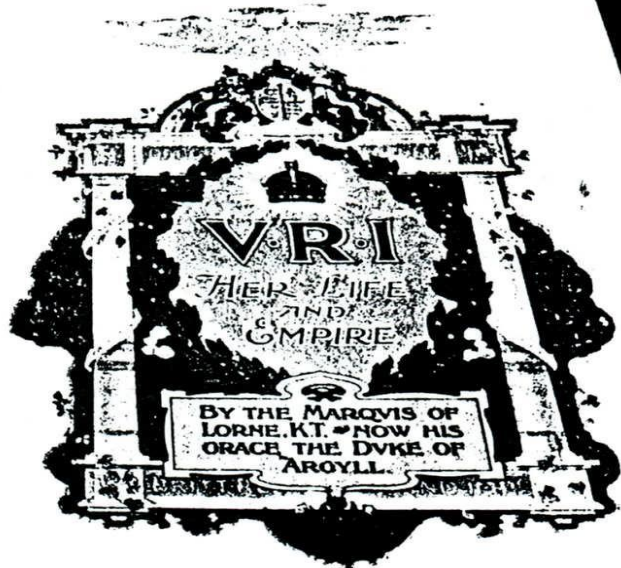
CONTROLLER
PAT CALDON





HER MAJESTY QUEEN VICTORIA.
1899

BY THE MARQUIS OF LORNE, K.T. & NOW HIS GRACE THE DUKE OF AROYLL



PRINTED BY FURE
& HIS MAJESTY
PUBLISHED BY HAR



Photo: Mitch Jenkins